



میزگرد بررسی مسائل مالیاتی با حضور کارشناسان سازمان امور مالیاتی کشور و چند صاحب نظر و فعال اقتصادی

## ضرورت مرمت دیوار اعتماد

نظام مالیاتی نقش برجسته‌ای در اقتصاد هر کشوری به عهده دارد. مالیات از یک‌طرف منبع مهم تأمین هزینه‌ها و از طرف دیگر ابزار پیچیده‌ای برای ایجاد عدالت اجتماعی است. اتاق بازرگانی کرمان بر اساس نتایج حاصل از پایش محیط کسب‌وکار ایران، پرونده‌های ورودی به کارگروه‌های رفع موانع تولید، ستاد اقتصاد مقاومتی دادگستری و مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان و با توجه به وظیفه ذاتی اتاق‌های بازرگانی مبنی بر پایش مستمر محیط کسب‌وکار و نقش قانونی مشورتی و پیشنهاددهندگی به حاکمیت، به احصای پاره‌ای از مشکلات مربوط به این حوزه پرداخته و در راستای آگاهی بخشی و همکاری در رفع مشکلات فعالان اقتصادی، تصمیم به برگزاری سلسله میزگردهایی با موضوع بررسی مسائل مالیاتی گرفته است. اولین میزگرد با محوریت موضوع بررسی علل عدم اجرای ماده ۹۷ قانون مالیات‌های مستقیم و حسابرسی بر مبنای ریسک در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۳۰ برگزار گردید. شرکت‌کنندگان در میزگرد:

- دکتر محمد بزرگری؛ رئیس مرکز آموزش، پژوهش و برنامه‌ریزی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور
- دکتر علی رستم‌پور؛ مدیرکل حسابرسی مالیاتی ویژه سازمان امور مالیاتی کشور
- دکتر مهدی حقیقت؛ معاون مرکز دادرسی مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور
- مهندس عباس جالبازری؛ نایب‌رئیس کمیسیون صنعت اتاق ایران، عضو هیئت‌رئیس و ناظر مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان
- دکتر آرمان خالقی؛ نایب‌رئیس کمیسیون مالیات، کار و تأمین اجتماعی اتاق ایران
- دکتر محمد قاسمی؛ رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران
- نرگس مرادی؛ سرپرست گروه مالیات، کار و تأمین اجتماعی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران
- محمد سلمانی؛ مدیر امور مالیاتی مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان
- ذبیح‌الله خوارزمی؛ نماینده بند ۳ هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی استان کرمان
- دکتر محمدحسین قربانی؛ مشاور مالیاتی مرکز کسب‌وکار اتاق کرمان
- لیدا میرکمانداری؛ نماینده بند ۳ هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی شمال تهران

عوامل اجرایی:

- مجری میزگرد؛ مهندس عباس عسجدی رئیس مرکز کسب‌وکار، مجامع، شوراها و هیئت‌های اتاق کرمان
- مشاور حوزه رسانه؛ مهندس فرزانه زاهدی مدیر انتشارات اتاق کرمان و مدیر اجرایی نشریه سپهر اقتصاد کرمان.

کمتری خواهد داشت. البته دولت در خیلی مواقع مدعی است که این موضوع اجرا می‌شود، اما به نظر می‌رسد در بنگاه‌های کوچک و بزرگ ۹۵ درصد پرونده‌ها در حال رسیدگی است. به‌عنوان اولین موضوع، مشکل و سؤال اساسی من این است که «چرا تبصره ۲ ماده ۹۷ اجرا نمی‌شود و سیستم وصول مالیات بر مبنای ریسک نیست؟»

**محمد بزرگری:** بنده هم اعتقاد دارم برگزاری جلسات هم‌اندیشی باعث می‌شود که دولت بهتر بتواند درد بخش خصوصی را درک کند.



در خصوص مالیات بر مبنای ریسک، اول عنوان را اصلاح کنیم، ما از سال ۱۳۹۵ به بعد دیگر تبصره ۲ ماده ۹۷ نداریم و ماده ۹۷ فقط یک تبصره دارد و در قانون تبصره ۲ وجود خارجی ندارد. تمام دنیا حسابرسی مبتنی بر ریسک را قبول دارند و قاعده آن نیز حاکم است؛ اما حسابرسی مبتنی بر ریسک چیست و از لحاظ فرایندی به چه شکل است و چطور باید اجرا شود، چه خروجی باید داشته باشد و آیا با قوانینی که در ایران وجود دارد، امکان آن وجود دارد که به این سمت حرکت نماییم؟ آیا نیاز به اصلاح قانون، مجری یا روند وجود دارد یا خیر؟

حسابرسی مبتنی بر ریسک یعنی شرایط هر مؤدی بررسی شود و اگر شرایط او در حدود معقول نباشد، حسابرسی انجام شود. بر اساس این حسابرسی، هر مؤدی را از یک سری شاخص‌های ریسک عبور داده و به هر مؤدی یک رتبه ریسک می‌دهند و از بالا به پایین رتبه ریسک مؤدیان را درجه‌بندی می‌کنند. بعد از سازمان مالیاتی خواسته می‌شود که بتوان رسیدگی خود را بیان کند؛ برای مثال ۱۰۰ پرونده، لذا ۱۰۰ مؤدی اول را انتخاب و از سازمان می‌خواهند رسیدگی را انجام دهد. قاعده کلی حسابرسی مبتنی بر ریسک این است که سازمان مقدار مبالغی که هر چند مالیات آن‌ها کم می‌شود را از دست دهد؛ یعنی سازمان مالیاتی برای این که یک سری منافع مالیاتی بیشتری به دست آورد، این ریسک را بپذیرد و یک سری منافع مالیاتی خود را از دست بدهد، اما فقط با یک ماده ۹۷ در قانون نمی‌توان حسابرسی مبتنی بر ریسک را انجام داد و متناسب با این موضوع باید ماده ۱۵۶ حذف شود. نباید گفت سازمان امور مالیاتی یک سال وقت دارد که حسابرسی کند، سازمان مالیاتی مجاز است هر وقت فهمید که خطا وجود دارد رسیدگی انجام دهد. به عبارتی اگر می‌خواهیم حسابرسی مبتنی بر ریسک اجرا کنیم، دولت نیز باید سایر الزاماتی که برای این قانون در سایر نقاط دنیا وجود دارد را نیز لحاظ نماید؛ برای مثال دو محدودیت قانونی وجود دارد یکی مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ که محدودیت از نظر زمانی است که در دنیا اصلاً مسئله مرور زمان در این نوع از مالیات وجود ندارد و دیگر مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ و

**عباس جبالبازی:** با تشکر از شرکت‌کنندگان در میزگرد تأکید می‌گردد که اتاق‌های بازرگانی ایران و کرمان در نظر دارند با هدف هم‌اندیشی و هم‌افزایی بین دولت و بخش خصوصی، به بررسی و انعکاس مسائل و چالش‌های مبتلا به اقتصاد کشور بویژه در حوزه کسب و کار بپردازند. بر اساس نتایج پایش فضای کسب‌وکار، رتبه‌های اول تا چهارم مشکلات فعالان اقتصادی عبارتند از:



۱. دشواری تأمین مالی از بانک‌ها،
۲. مسائل مالیاتی و یا همان عدالت مالیاتی،
۳. بیمه تأمین اجتماعی،
۴. تأمین مواد اولیه بنگاه‌ها.

در این میزگرد به مسائل مالیاتی می‌پردازیم. از دیدگاه دولت در مقایسه با کشورهای اروپایی که مالیات سهم بالایی در تأمین مالی آن‌ها دارد، نقش مالیات در اقتصاد ایران بسیار پایین است و فرار مالیاتی بالایی در کشور وجود دارد. از طرفی بخش خصوصی نیز بر این باور است که مالیات زیادی پرداخت می‌کند و عدالت مالیاتی وجود ندارد.

بنده به‌عنوان یک فعال اقتصادی و عضو اتاق بازرگانی که با سایر فعالان اقتصادی هم در ارتباط هستم، اعتقاد دارم که اگر نظام مالیاتی بر مبنای ریسک باشد، بسیاری از این مسائل حل می‌شود؛ به‌طور مثال نظام مالیاتی کشور آلمان به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته شبیه نظام مالیاتی در کشور ما است، اما سیستم رسیدگی در آلمان با ما خیلی تفاوت دارد. در ایران فقط یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار شرکت ثبت شده داریم، اگر فرض بفرمایید از این تعداد ۵۰ درصد اظهارنامه مالیاتی داشته باشند، آیا سیستم ممیز محوری ما امکان رسیدگی به همه پرونده‌ها به‌صورت عادلانه را دارد یا خیر؟ به‌عنوان یک فعال اقتصادی می‌گویم خیر؛ چون علاوه بر نداشتن زمان کافی، نیروی انسانی هم برای رسیدگی به این تعداد پرونده وجود ندارد. اگر هم رسیدگی انجام شود فقط هزینه‌ها بررسی شده و مالیات تعیین می‌شود، مؤدی هم این موضوع را نمی‌پذیرد و ناگزیر در پرونده ماده ۲۳۸، هیئت بدوی، هیئت تجدیدنظر و دیوان عدالت (ماده ۲۵۱) و... قرار می‌گیرد.

به اعتقاد من در این فرآیند بیشترین ضرر متوجه دولت می‌شود؛ چون وقتی که نرخ تورم نزدیک به ۴۰ درصد است، فرض کنید در اظهارنامه‌ای مالیات مربوطه ۱۰۰ میلیون اظهار شده باشد، اما سازمان مالیاتی آن را ۲۰۰ میلیون در نظر بگیرد، پس مؤدی اعتراض می‌کند و این پرونده ممکن است دو یا سه سال طول بکشد تا به مرحله وصول و تقسیط برسد. ارزش ۲۰۰ میلیون تومان بعد از گذشت سه سال چقدر است؟ مطمئناً یک سوم! اگر تبصره ۲ ماده ۹۷ مالیات بر مبنای ریسک اجرایی شود و دولت به ۵ یا ۱۰ درصد پرونده‌ها رسیدگی و برای بقیه بر اساس اظهارنامه خودشان برگه مالیات قطعی صادر کند، هم به منابع بهتری خواهد رسید و هم گرفتاری

برمی‌آید دیوار بی‌اعتمادی است، همه مؤدیان می‌گویند سازمان مالیاتی، مالیات اضافه و غیرقانونی می‌نویسد. همه مأموران مالیاتی هم می‌گویند همه مؤدیان دروغ می‌گویند. باید برای این موضوع راهکار پیدا کنیم تا راهکار پیدا نشود، صحبت از حرکت به سمت حسابرسی مبتنی بر ریسک یا هر مورد جدید دیگری به نظرم زیاد جواب نمی‌دهد و مؤثر نیست.

### ذبیح‌الله خوارزمی: صحبت‌های آقای دکتر برزگری



کاملاً درست، اما در زمان وضع قانون احتمالاً سازمان امور مالیاتی در مجلس حضور داشته و متخصصین امور مالیاتی نیز در تدوین و تصویب آن دخالت داشته‌اند، پس ماده ۹۷ که طبق آن گفته می‌شود، باید ۲ یا ۳ سال بعد از لایحه تحول مالیاتی، درصدی از اظهارنامه‌ها مورد رسیدگی قرار بگیرد که در فرمایش شما، هم مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ و هم مسئله مرور زمان را داریم، چرا اجرا نمی‌شود؟ وقتی موضوعی در قانون می‌آید برای مؤدی حقی ایجاد می‌کند؛ برای مثال یک مؤدی نباید هر سال مورد رسیدگی قرار بگیرد، یا همه پرونده‌های مالیاتی یک مؤدی مورد رسیدگی قرار بگیرد و بر مبنای آن برگه تشخیص صادر شود. همان‌طور که اشاره کردید، ماده ۱۴۷ و ۱۴۸ یک اهرمی برای ممیزین و مأمورین تشخیص مالیاتی شده است و اولین اقدامی هم که قبلاً انجام می‌شد، این بود که علی‌الرأس تعیین می‌کردند تا بحث مرور زمان را از بین ببرند و به هیئت‌ها برده شود و امروز هم نفی هزینه‌ها باب شده است و دیگر هیچ تخصص و فکری در مأمورین تشخیص نمی‌بینیم. من فرمایش شما را قبول دارم تا مادامی‌که مالیات بر مبنای ریسک باشد، مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ معنی نمی‌دهد. من به‌عنوان یک واحد اقتصادی برای کسب درآمد هزینه می‌کنم؛ یعنی هر یک ریالی که هزینه می‌شود، انتظار دارم که متناسب با آن، درآمد به مجموعه برگردد که از این درآمد خود سازمان مالیاتی منتفع هم می‌شود. حالا چرا این هزینه، قابل قبول یا غیرقابل قبول می‌شود؟ این‌ها دردهایی است که ما به‌عنوان فعال اقتصادی داریم و دنبال راه علاج هستیم.

### محمد برزگری: در پاسخ آقای خوارزمی باید بگویم



که سازمان مالیاتی ماده ۹۷ را از سال ۱۳۹۸ اجرا می‌کند و هیچ جای ماده ۹۷ گفته نشده است چند درصد. اینکه یک روزی یک شخصی خواسته یک قانونی را تصویب کند و در یک تریبون تبلیغاتی گفته است که «حسابرسی مبتنی بر ریسک، یعنی فرانسسه زیر یک درصد»، ایشان نظر شخصیش را گفته است.

ماده ۹۷ می‌گوید که سازمان مالیاتی اظهارنامه‌ها را با یک سری شاخص درجه‌بندی کند و امتیاز ریسک دهد. همه امتیاز ریسک‌ها خطا نیست و اندازه یک شرکت، خود یک امتیاز ریسک محسوب



معافیت‌ها از نظر محاسباتی؛ مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ یعنی با توجه به نصاب و این‌که این هزینه برای درآمد است و قس‌الی‌هذا باید هزینه را رسیدگی کنید؛ برای مثال در حال حاضر اگر یک نفر که بهره‌گیر بانکی دارد، این هزینه غیرقابل قبول است و بهره بانکی قابل قبول است، این موضوع را در حسابرسی مبتنی بر ریسک چگونه باید رسیدگی کنیم؟ ما n معافیت داریم که همه معافیت‌ها تابع یک سری شرایط هستند، اما مشخص نیست که اگر شرایطی وجود داشت، در کدام معافیت لحاظ شود (شرایط لازم هستند، اما کافی نیستند) و اگر معافیت داده شود مقصر سازمان امور مالیاتی است.

ما تقریباً ۲ میلیون و صد هزار شخص حقوقی داریم. از این تعداد فقط ۳۲۰ هزار نفر اظهارنامه ارائه می‌دهند، همین‌جا عمق فاجعه مشخص می‌شود. در همین ۳۳۰ هزار اظهارنامه فارغ از این‌که وارد مورد خاصی شویم تقریباً سال گذشته حدود ۳۴ درصد آن قطعی شده که ۷۰ یا ۸۰ درصد آن رسیدگی شده است. آن‌هایی که رسیدگی انجام شده است مالیات‌شان ۵ برابر شده و در مورد آن‌هایی که مالیات‌شان قطعی شده، مالیات دو برابر و نیم شده است.

کشور ما یک سازمان امور مالیاتی دارد با همه اشکالاتی که گفته می‌شود، اما مالیات‌های همین کسانی را که رسیدگی کرده با ریسک بند ۷۰ یا ۸۰ درصد، در تشخیص پنج برابر و در قطعی دو و نیم برابر می‌شود؛ یعنی من اگر ۱۰۰ هزار ابرازی داشته باشم یا ۱۰۰ همت ابرازی داشته باشم، الان ۲۵۰ همت مالیات داده می‌شود. خوب الان با چه چیزی حسابرسی مبتنی بر ریسک انجام دهم؟ کل بودجه سال گذشته کشور ۴۷۰ همت است؛ ۱۵۰ همت یعنی ۳۰ درصد بودجه!

مالیات قطعی همه مراحل را پشت سر گذاشته است؛ در مشاغل هم همین آمار وجود دارد که قطعی چهار و نیم برابر بوده، اما بعد از تشخیص ۱۰ برابر شده است. من نمی‌گویم که این موضوع اشتباه یا درست است. فقط می‌خواهم متوجه شوید با چه موضوعی طرف هستید. اولین موضوعی که از این صحبت



پروژه‌ها است و مهم‌تر این است که برای دور زدن تحریم‌ها، مجبور شده شرکت‌هایی را در خارج از کشور ایجاد نماید تا بتواند کالای مورد نیاز را وارد ایران کند، اما وقتی که به اینجا می‌رسد، برای مثال مالیاتی که یک میلیارد اظهار شده، ۵ میلیارد تشخیص داده می‌شود. بنگاه‌دار در آخر با سازمان توافق می‌کند که مثلاً با دو برابر راضی شود.

حال سؤال اساسی، آیا این وضع عادلانه است؟ وقتی که مالیات پنج برابر می‌شود نباید تک‌تک هزینه‌ها بررسی شود؟! در برخی از موارد مدیر یک بنگاه محدود می‌شود، برای مثال گفته می‌شود در مأموریت خارج از کشور نباید بی‌زینس کلاس سوار شود یا مدیری که قرار است به خارج از کشور سفر کند، پروژه بگیرد و خرید نماید، آیا باید کنار خیابان یا مسافرخانه درجه دو بخوابد؟! سازمان مالیاتی برای حق مأموریت او چه تصویری دارد؟ برای هزینه پذیرایی در دفتر عضو هیئت‌مدیره ایراد می‌گیرند که چرا در دفترش فلان خوراکی را خورده است. برای مدیر یک بنگاه، کت‌وشلوار، ماشین و این قبیل موارد در جای خود، ابزار کار است و هرچقدر بتواند پروژه بیشتری بگیرد و بنگاهش سودآور باشد، ۲۵ درصد آن سهم سازمان مالیاتی است.

**دکتر بزرگری می‌فرمایند کجای قانون گفته شده درصد، اگر قرار است درصد نباشد پس مالیات مبتنی بر ریسک معنی نمی‌دهد.** همیشه گفته شده که «چرخ از اول اختراع نمی‌شود»؛ بالاخره ما یک نظام مالیاتی را که در دنیا قبول داریم بررسی کنیم در دیگر کشورها چگونه عمل می‌کنند و سپس بر اساس الگویی مناسب روش‌هایمان را اصلاح کنیم. بالاخره از یک جایی باید شروع کنیم. اگر مالیات ۳۴ درصد اشخاص حقوقی قطعی شده، این حرکت بزرگی است. این موضوع را رسانه‌ای کنید که نشان می‌دهد حرکت سازمان مالیاتی به سمتی است که می‌خواهد اعتماد کند، اما بررسی ما این موضوع را نشان نمی‌دهد.

در دولت آقای خاتمی، تبصره ۲ ماده ۲۷۲ یعنی موضوع رسیدگی توسط حسابرس‌ها مصوب شد. به گواه آمار در آن سال درآمد مالیاتی بیشتر شده است. اما به دلایل غیرمنطقی که برخی از

می‌شود. یک‌دهم درصد اندازه ریسک در بانک ملی خیلی بیشتر از هزار درصد ریسک در یک بقالی است؛ چون آن یک‌دهم وقتی در گردش مالی سالانه ضرب شود آن‌قدر عدد بزرگی می‌شود که از یک‌میلیون از این بقالی‌ها بیشتر است. بنابراین بانک ملی هر سال باید رسیدگی شود. در تمام دنیا این قاعده برقرار است؛ اصلاً بانک ملی نمی‌تواند بگوید ماده ۹۷ را برای من اجرا نکردید در سال ۱۴۰۱ در حوزه مشاغل جدای از تبصره ۱۰۰، ما ۵۰ درصد اظهارنامه‌ها را قبول کردیم.

بنابراین در مجموع بالغ بر ۵۵ تا ۵۷ درصد اظهارنامه‌های سال گذشته ما قطعی شده است؛ درست است در اشخاص حقوقی این درصد خیلی کم است، ولی کل اظهارنامه‌ها از فیلتر عبور می‌کند. تأکید می‌کنم اشخاص حقوقی به خاطر اندازه‌شان، رتبه ریسک بالاتری می‌گیرند؛ یعنی انحراف در اشخاص حقوقی با یک ترنور فروش مثلاً ۱۰۰۰ میلیارد تومانی برای سازمان مالیاتی خیلی ریسک بالاتری دارد تا پذیرش یک صاحب شغل با فروش مثلاً یک میلیارد تومان و در تمام دنیا همین‌طور است و ۵ درصد مؤدیان بزرگ، در هر کشوری حتماً حسابرسی می‌شوند.

در حال حاضر ماده ۹۷ در ایران اجرا می‌شود، اما چرا همه شکایت‌های فعالان اقتصادی پذیرفته نمی‌شود. نمی‌دانم، چون رتبه ریسک ۱۱۰ شاخص دارد و معلوم نیست با کدام یک از شاخص‌ها (ماده ۱۶۹، ریسک، سابقه، اندازه، مقایسه با صنعت مشابه، سودآوری و ...) سنجیده شده و پرونده پُر ریسک شده یا این‌که در ریسک بند بالا قرار گرفته است، اما موضوع مهم این است که سازمان مالیاتی حسابرسی مبتنی بر ریسک ماده ۹۷ را اجرا می‌کند و آمارهای آن هم موجود است. برای سال ۱۴۰۱ تقریباً ۵۵ درصد رسیدگی و ۴۵ درصد قطعی شده است و عمده قطعی‌ها در مشاغل است و در اشخاص حقوقی حدود ۳۴ درصد بوده است. امسال سازمان در نظر دارد که بالای ۴۰ درصد از اظهارنامه‌های اشخاص حقوقی را قطعی کند. در این آمار عمده موارد، مؤدیان کوچک هستند. غیر فعال‌ها هم مطرح نیستند، چون کسی که در وضعیت عدم فعالیت است، نباید اظهارنامه بدهد و سازمان، اظهارنامه‌های صفر را بسته است.

**عباس جبالبارزی:** دکتر بزرگری فرمودند که در بخش



اشخاص حقوقی، مالیات مودیانی که رسیدگی شده است، بر اساس تشخیص پنج برابر شده که در مرحله قطعی به دو نیم برابر کاهش یافته است. به عبارتی سازمان، مالیات را پنج برابر تشخیص داده و در توافق به دو و نیم برابر رسیده، مثل این می‌ماند که ممیز مالیاتی طرف را به مرگ گرفته تا به تب راضی شود.

از ده‌ها مسئله یک مدیر بنگاه، یکی از آن‌ها مالیات است. در حال حاضر اصلی‌ترین مسئله وی جذب بازار کار است؛ یعنی بتواند پروژه بگیرد تا بنگاه خود را اداره نماید. دوم، تأمین مالی برای اجرای

حسابرسان با برخی مؤدیان زد و بند نمودند، تقریباً این ماده قانونی را با بخشنامه‌های مختلف بی اثر کردند.

همه حرفم این است که در کشوری که درگیر تحریم است، کشوری که هنوز قدم‌های اولیه توسعه را برمی‌دارد و رتبه ۱۲۸ کسب‌وکار در دنیا را دارد و در شرایطی که سرمایه‌گذاری خارجی فقط محدود به جایی شده که مزیت دارد و نرخ سرمایه‌گذاری زیر ۵ درصد است، افرادی هستند که از بسیاری از مزایای خود گذشته و تولید می‌کنند، باید به این افراد اعتماد کرد، وقتی به آن‌ها اعتماد می‌شود، مسئولیت آن‌ها را بیشتر می‌کنید.



**مهدی حقیقت:** ابتدا خوشحال هستم که این جلسه مشترک برگزار شد و همه دلسوزانه و صریح صحبت می‌کنند و به دنبال حل یک مشکل از نظام اقتصادی کشور هستند. در مورد موضوع ماده ۹۷ باید چند نکته را عرض کنم:

اول این که باید یک گام به عقب برگردیم، وقتی در مورد قانون صحبت می‌شود، قانون و الزامات فقط برای سازمان امور مالیاتی نیست، بلکه بر همه افراد و فعالان اقتصادی هم حاکم است. ما با شرکت‌هایی مواجه هستیم که شرکت داری نمی‌کنند، بلکه مشاغل بزرگی شده‌اند. صحبت آقای جبال بازی این است که من در کشور آلمان به یک مشاور و یک حسابدار اعتماد کرده و کل امور مالیاتی را به او سپرده‌ام، اما در ایران این وضعیت حاکم نیست. در ایران هر فردی که مدیر است، هیچ اطمینانی به حسابدار، مشاور و نهادهای حرفه‌ای حسابداری ندارد و می‌خواهد رأساً خودش در تنظیم اظهارنامه‌ها، در انجام معاملات و انجام وظایف قانونی مشکلات را برطرف کند. بخش عمده اطلاعاتی که ما بر مبنای آن ریسک یک فعال اقتصادی را تعیین می‌کنیم، چه در موضوع سامانه مالیاتی، ماده ۱۶۹، حقوق و ... اطلاعاتی است که خود فعال اقتصادی ارسال می‌کند، منتها چون فعال اقتصادی احاطه مالیاتی

و قانونی ندارد، باعث می‌شود در ارسال این اطلاعات تناقض ایجاد شود و موتور ریسکی که مؤدیان را دسته‌بندی می‌کند، همه را پُر ریسک شناسایی کند. سازمان مکلف است رسیدگی را انجام دهد، اگر بخواهیم به سازمان مالیاتی الزام نماییم که این موضوع را فراگیر و پدیده رسیدگی کند و مالیات مبتنی بر ریسک را اجرایی کند، ابتدا باید مشکل را در طرف مقابل حل کنیم که فعالان اقتصادی در دسته مؤدیان پُر ریسک قرار نگیرند. برای این منظور باید فعالان اقتصادی آموزش ببینند و به بخشی از متخصصان؛ بخش مالی و بخش مالیاتی و ... اعتماد کنند.

مهندس جبالبازری گفتند که سیستم مالیاتی بر اساس قاعده یا نظام نیست. این‌طور نیست. من در سیستم مالیاتی در اداره‌های مختلف (اداره مرکز، در شمال تهران، مؤدیان بزرگ، مرکز دادرسی) فعالیت کرده‌ام. اغلب گزارش‌هایی که در رسیدگی و مالیات ستانی بانک‌ها، لیزینگ‌ها، تولیدی‌ها می‌آید، حداقل در هیئت‌های حل اختلاف همگی مبتنی بر استانداردهای حسابداری مالیات حساب شده است و کار، کار فنی، تخصصی و مبتنی بر حسابداری مدیریت و تکنیک‌های حسابداری صنعتی، ضایعات و انحرافات را محاسبه کرده است.

در شرکت‌های کوچکی که حسابداری‌شان مبتنی بر استاندارد نیست، ناچاریم در آن زمین‌بازی کنیم، جایی که زمین آماده نیست باید با قواعد آن زمین‌بازی کنیم. جایی که مؤدی قانونمند رفتار می‌کند سازمان بر اساس قانون عمل می‌نماید و اما جایی که مؤدی مبتنی بر قانون و استانداردهای حسابداری اقدام نمی‌کند، ممیز مالیاتی به دلیل بی‌قاعدگی که وجود دارد، ناچار است از مواردی چشم‌پوشی کند و بسیاری از مالیات‌ها را نگیرد. اتفاقاً برخلاف تصور اگر قانون رعایت شود، مالیات از این چیزی که باید مطالبه شود بیشتر می‌شود. این بی‌قاعدگی که وجود دارد، باعث می‌شود که ممیز خیلی جاها چشم‌پوشی کند و آن مالیاتی را که امکان وصول دارد، نگیرد.



**علی رستم‌پور:** همه ما دوست داریم به نقطه‌ای برسیم که آقای دکتر بزرگری در فرمایشاتشان گفتند: «به یک درصد فرانسوی‌ها». امیدوارم به این روز برسیم و این موضوع می‌طلبد که هر دو طرف برای آن تلاش کنند. ما هرچقدر که تلاش کنیم اما طرف مقابل نتواند همپایی و همراهی کند، عملاً به آن الگوی ایده آل بین‌المللی در حسابداری مبتنی بر ریسک نمی‌رسیم.

در نظام مالیاتی، وزن ریسک مؤدی توسط سامانه به‌طور اتوماتیک و بدون دخل و تصرف مأمورین مالیاتی از حاصل‌ضرب دو معیار شدت (مترادف با گردش مالی افراد) و احتمال به همراه یکی دو اندیس تعدیلی دیگر تعیین می‌شود. سازمان نیز همه‌ساله توان حسابداری خود را مشخص می‌کند و مشاغل و شرکت‌هایی که وزن ریسک گرفته‌اند، روی یک بردار قرار گرفته و رتبه ریسکشان با ریسک بند تعیین می‌شود؛ بنابراین تنها رتبه ریسک افراد باعث حسابداری نمی‌شود، بلکه توان و ظرفیت سازمان هم تعیین می‌کند که چه تعدادی را می‌توان حسابداری نمود. شاید یک‌زمانی به دلایلی مثل کمبود نیروی

در مجموع بالغ بر ۵۵ تا ۵۷ درصد اظهارنامه‌های سال گذشته ما قطعی شده است؛ درست است در اشخاص حقوقی این درصد خیلی کم است، ولی کل اظهارنامه‌ها از فیلتر عبور می‌کند. تأکید می‌کنم اشخاص حقوقی به خاطر اندازه‌شان، رتبه ریسک بالاتری می‌گیرند؛ یعنی انحراف در اشخاص حقوقی با یک ترنور فروش مثلاً ۱۰۰۰ میلیارد تومانی برای سازمان مالیاتی خیلی ریسک بالاتری دارد تا پذیرش یک صاحب شغل...

صورت‌مسئله راه چاره‌ای برای ما نگذاشت. موضوع بعد این‌که از حسابرسی و انتخاب شدن برای حسابرسی تترسیم. «آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است» نباید هیچ واهمه‌ای از حسابرسی داشته باشیم؛ مشروط بر این‌که حسابرسی مبتنی بر قانون و مقررات انجام شود، نه سلیقه‌های شخصی. ما با این موارد به‌شدت در سازمان مخالف هستیم. سازمان هر زمان که دوره آموزشی برگزار نموده، تأکید می‌کند که مدرسان از برداشت‌های شخصی و سلیقه‌ای در حسابرسی پرهیز نمایند. ما مأمور مالیاتی هستیم و در چهارچوب قانون و مقررات مالیاتی اقدام می‌کنیم و هر اقدام ما با پشتوانه یک مقرر، بخشنامه، دستورالعمل و قانون بوده و هیچ جا نظر شخصی حاکم نیست. نمی‌گوییم نیست، هست و غلط است و از سمت مؤدی قابل دفاع است.

با توجه به آمار که دکتر بزرگری دادند، سرجمع مالیات اشخاص حقوقی بر اساس افزایش برگه تشخیص ۵ برابر و بر اساس قطعی شده‌ها دو و نیم برابر بوده است، اگر آمار را کمی محدودتر نماییم و سراغ شرکت‌های بزرگ که تشکیلات مالی دقیق‌تری دارند و از کارشناسان متخصص‌تری استفاده می‌کنند برویم، متوجه می‌شویم که در دو سال متوالی برای حدود ۷۰ شرکت که در عملکرد ۱۳۹۹ در بنگاه خودشان رسیدگی شده و به قطعیت رسیده‌اند و سال ۱۴۰۰ در مجموعه حسابرسی ویژه مورد حسابرسی قرار گرفته و به قطعیت رسیده‌اند، رشد ۱/۲ تا ۱/۴ درصد دیده شده است، نه رشد دو و نیم برابر؛ یعنی نسبت به ابرازشان ۲۰ درصد در سال ۱۳۹۹ و ۴۰ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش داشته‌اند. ما در پرونده‌های بزرگ قطعاً دنبال دو برابر و سه برابر نیستیم؛ در صورتی که ممکن است در فرایند حسابرسی مبتنی بر قانون به ۱۰ برابر هم برسیم، ولی اصلاً هدف‌گذاری نداریم.

توصیه ما به همه حسابرسان این است که پیش‌فرض شروع حسابرسی‌شان پیش‌فرض رقم مالیات نباید باشد. وظیفه حسابرسان به مفهوم اولیه، تعیین مالیات نیست، بلکه فرایند حسابرسی انجام می‌شود و در انتها با ورود اطلاعات جمع آوری شده در سامانه، سیستم محاسبه را انجام می‌دهد و به عدد می‌رسد، نه بر این اساس که مؤدی سال گذشته ۱۰۰ را داده است و امسال باید ۲۰۰ را بدهد و به فرمایش شما مؤدی راضی شده و cost benefit (برآورد مقرون به‌صرفه بودن) می‌کند و برای مثال با ۵۰ تا افزایش با هم توافق می‌کنند. نه این‌طور نیست، حسابرسان حرفه‌ای ما اصلاً به مالیات نگاه نمی‌کنند.

انسانی و وجود اولویت‌های دیگر برای سازمان مثلاً به‌جای ۲۰۰ هزار، ۲۰ هزار نفر را حسابرسی کنیم. طبیعتاً وقتی موضوع شدت را در فرمول قرار می‌دهیم شدت مترادف است با ترنور مالی اشخاص هرچقدر ترنور بزرگ‌تر باشد، شانس انتخاب شدن به‌عنوان مؤدی پریسک بالاتر می‌رود و مؤدی جزو رتبه‌های اول برای حسابرسی قرار می‌گیرد؛ بنابراین در یک احتمال ضعیف در یک شدت بزرگ به همراه اندیس‌های موردنظر، وزن ریسک بالا می‌رود و در یک احتمال بالا در یک شدت ضعیف و اندیس‌های موردنظر، وزن ریسک پایین می‌رود و ارزش ندارد که سازمان مالیاتی زمان و هزینه خود را معطوف به حسابرسی آن نماید.

در مورد عملکرد قبل از سال ۱۳۸۰، سازمان بدهی مالیاتی زیر ۴ میلیون تومان را بخشیده است. یکی از دلایل وجود تبصره ۱۰۰ همین عدم انجام هزینه‌های بی‌مورد برای مالیات ستانی است که نتیجه آن ۱۰ همت می‌شود. به‌جای آن سازمان وقت خود را جهت وصول مالیات بهتری با رضایتمندی کامل‌تری از سمت مؤدی اختصاص می‌دهد.

در مورد هزینه مأموریت که آقای جالبازری مصداقی گفتند، بسیاری از این هزینه‌ها، هزینه مأموریت نیست. برای هزینه مأموریت حدنصابی وجود دارد و مصوبه هیئت‌وزیران است و تعیین آن برعهده سازمان مالیاتی نیست. سازمان تلاش می‌کند، بخش خصوصی هم تلاش کند که این نصاب را بالاتر ببرد، اما مادامی‌که مصوبه به‌عنوان حق مأموریت وجود دارد، در چهارچوب آن عمل می‌نماییم و بقیه آن هزینه سفر محسوب می‌شود. حق مأموریت با هزینه سفر متفاوت است. هزینه سفر تا جایی که مستنداتش وجود دارد و در راستای فعالیت آن بنگاه است پذیرفته می‌شود. نه اینکه شخص به‌عنوان سفر کاری، سفر سیاحتی برود. اجازه دهید بخشی را که سیاحتی است ما نپذیریم. برای موردی که سفر کاری است، فرد هتل پنج ستاره برود و درآمد برای شرکت ایجاد نماید چه اشکالی دارد، مستنداتش را بیاورد و هزینه‌اش را بگیرد.

در مورد حذف ماده ۲۷۹ به‌شدت دفاع می‌کنیم، چون این موضوع به دو سه مورد استثنای نبوده که بگوییم «به خاطر یکی دو بی‌نماز، در مسجد را بسته‌ایم»، ماشاالله تعداد بی‌نمازانمان خیلی زیاد است و خود ساختن مسجد برای ما هزینه اضافه شده است. چند سالی که این ماده اجرا شد به جایی رسید که حجم ورودی پرونده در فرایند هیئت‌های هماهنگی هر سال افزایش پیدا می‌کرد و اگر این روند نزولی بود، قطعاً سازمان استقبال و کمک می‌کرد و دنبال دردسر برای خود نبود. درنهایت یک بایی باز شد که متأسفانه جز پاک کردن

«چرخ از اول اختراع نمی‌شود»؛ بالاخره ما یک نظام مالیاتی را که در دنیا قبول داریم بررسی کنیم در دیگر کشورها چگونه عمل می‌کنند و سپس بر اساس الگویی مناسب روش‌هایمان را اصلاح کنیم. بالاخره از یک جایی باید شروع کنیم. اگر مالیات ۳۴ درصد اشخاص حقوقی قطعی شده، این حرکت بزرگی است. این موضوع را رسانه‌ای کنید که نشان می‌دهد حرکت سازمان مالیاتی به سمتی است که می‌خواهد اعتماد کند.

اقتصادی اعلام نمی‌کنند که ما تقاضای استاندارد شدن داریم. موضوع دوم بعد از گذشت یک سال متوجه شدیم عامل عدم تعلق معافیت‌های همه تولیدی‌ها پروانه‌های بهره‌برداری اصلاحی، ابطالی و مکمل هستند. بنده شخصاً به وزارت صنایع مراجعه و طرح موضوع نمودم که شما متولی امر صنعت هستید و باید از تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی حمایت کنید. مشکل افرادی که معافیت مالیاتی نمی‌گیرند، مربوط به پروانه‌ای است که صادر می‌شود؛ شما یک پروانه را که صادر می‌کنید، پروانه بعدی را که می‌خواهید صادر کنید، حتی اگر واحد تولیدی جدید هم باشد، می‌نویسید این پروانه جایگزین قبلی شد، چرا به این شکل می‌نویسید؟

قانون سازمان مالیاتی می‌گوید پروانه اصلی، شما به‌عنوان متولی امر صنعت برای دو متقاضی با یک آدرس باید دو پروانه جداگانه صادر نمایید.

سازمان مالیاتی مکلف به اجرای قانون است و قانون هم گفته از شروع پروانه بهره‌برداری، وقتی شما پروانه صادر نمی‌کنید، این مشکل رخ می‌دهد. در پاسخ بنده گفتند «به دلیل وجود یک بخشنامه داخلی انجام این کار ممکن نیست».

خوب این نشانه حسن نیت ما است، بنده که نماینده سازمان مالیاتی هستم باید کاری کنم که معافیت به کسی تعلق نگیرد، اما سازمان صنعت و معدن که متولی امر صنعت است باید تلاش کند که معافیت بیشتری به مؤدیان تعلق گیرد. به هر روی اکنون که سال ۱۴۰۲ است همچنان این مشکل وجود دارد.

زمانی که فعال اقتصادی یک معافیت مالیاتی برای تأیید به مجلس می‌برد، سایر فعالان اقتصادی عکس‌العمل یا مخالفتی اعلام نمی‌کنند؟ در نتیجه سهم سایر فعالان از یک معافیت کمتر شده و دیگران تحت فشار قرار می‌گیرند؛ به‌طور مثال در حال حاضر مدیریت پسماند شامل تفکیک از مبدأ، جمع‌آوری، پردازش، بازیافت، تولید انرژی و دفع از مالیات معاف است. منظور این نیست که معافیت‌ها حذف و کم شوند، شاید به این نتیجه برسیم که سازمان مالیاتی برای برخی بخش‌هایی که اکنون معافیت ندارند، معافیت لحاظ نماید و بالعکس. البته مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران در خصوص این‌که معافیت اضافه به چه کسانی تعلق گرفته، بررسی‌هایی انجام داده است.

**محمد قاسمی:** در موضوع معافیت مواد خام و کالاهای با ارزش‌افزوده پایین در اتاق اختلاف‌نظر وجود داشت، از یک‌طرف کمیسیون صنایع با منطقی تأکید داشت که معافیت‌ها باید حذف شوند و کمیسیون انرژی با معافیت‌ها موافق بود. در نتیجه با نگاه به منافع ملی ما نظر کمیسیون صنایع را تأیید نمودیم.

در کشور باید در مورد سازوکار مالیات از جمله جایگاه ممیز، معافیت‌ها و ... یک منطبق کلی وجود داشته باشد که متأسفانه



همچنین نمایندگان محترم شما در مجلس همه‌ساله سقف درآمدهای مالیاتی دولت را بالا می‌برند. ممکن است بگویید ما خودمان پیشنهاد می‌دهیم، خیر، بسیاری از مواقع لایحه‌های دولت و مصوبه‌های مجلس با هم فاصله دارد. بخش زیاد این افزایش‌ها در خود مجلس اتفاق می‌افتد. در مورد موضوع تضییع حق اشاره کردید که یک کارفرما و یک فعال اقتصادی هزار گرفتاری و مشغولیت ذهنی و کاری دارد و یکی از آن‌ها مالیات است و یک جاهایی هم ترجیح می‌دهد بگذرد، بله درست می‌گویید. البته شما به‌عنوان فعال اقتصادی همان‌جایی هم که گذشت می‌کنید، چون نگاهتان کاسب‌کارانه است مطمئناً در این گذشت هم منفعتی می‌بینید وگرنه برای احقاق حق خود تا انتهای مسیر تا دیوان عدالت اداری هم پیگیری می‌کنید.

**محمد برزگری:** بگذارید من یک انتقادی را که همیشه از اتاق داشته‌ام، اینجا مطرح نمایم. اساساً ما به دلیل روحیه اخلاقی که داریم اجازه می‌دهیم کاری اتفاق بیفتد، بعد می‌خواهیم آن را درست کنیم.



در سال‌های ۸۶ تا ۸۹ من دبیری کمیته معافیت‌های سازمان مالیاتی را برعهده داشتم. معافیت‌ها فقط معافیت‌های ۱۳۲ و ۱۳۸ بودند. در آن زمان به این دلیل که در استان‌ها نظر شخصی اعلام نشود، تصمیم گرفته شده بود که یک کمیته در مورد معافیت‌های واحدهای تولیدی در تهران تشکیل شود و اگر واحدی معافیت دارد، کمیته اعلام نماید از چه تاریخی تا چه تاریخی. در این خصوص دو موضوع مطرح می‌کنم؛ یک سری از افراد بخش خصوصی شکایت کردند که کمیته متمرکز معافیت معنی ندارد و کمیته باید به استان منتقل شود، چون یک مؤدی در استان معافیت مالیاتی گرفته بود، با وجود این‌که حق گرفتن معافیت مالیاتی را نداشت، اما در کمیته تهران معافیت به وی تعلق نگرفت و به دیوان عدالت اداری هم شکایت نمود. بقیه فعالان اقتصادی کلی تشویقش کردند که بخشنامه دولتی سازمان مالیاتی شکسته شد. بعد هم اعتراض کردند که چرا سلیقه‌ای عمل می‌کنید به‌طوری‌که یک اداره شما معافیت مالیاتی می‌دهد و یک اداره نمی‌دهد. روزی که شکایت می‌شود چرا فعالان



**علی رستم‌پور:** فارغ از طبقه‌بندی دستگاه‌های هزینه‌ای و درآمدزایی که مدیران ارشد دولت ارائه می‌دهند که به اعتقاد من مهم نیست و محتوا مهم‌تر است، دولت در هفت‌ماهه امسال بالغ بر ۵۹۰ همت درآمد از منابع درآمدی بودجه‌ای خود کسب کرده است و سهم مالیات در آن ۴۵۰ همت است. درست است که اسباب این درآمد، سازمان مالیاتی بوده است، اما حداقل ما مدیران در نظام مالیاتی به ضرس قاطع معتقدیم که مردم و بنگاه‌های اقتصادی در این شرایطی که همه می‌دانیم چه خبر است، این تأمین مالی را انجام می‌دهند.



**عباس جبالبارزی:** آقای دکتر حقیقت مطالب خیلی مهمی گفتند، من هم کاملاً قبول دارم؛ مدیر بنگاه قطعاً نباید حسابدار باشد. ۹۰ درصد بنگاه‌ها در ایران و ۹۹ درصد در دنیا بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند که به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد در دنیا محسوب می‌شوند. بر اساس تعریف سازمان یونیدو مدیر این نوع بنگاه فردی تکنیکال است و برای حمایت از این بنگاه‌ها باید اقداماتی انجام شود: ۱- به این نوع بنگاه کمک شود تا یک نظام مالی شفاف داشته باشد ۲- به هلدینگ‌های بزرگ یا نظام SPX پیمانکار فرعی وصل شوند ۳- در امر بازاریابی و توسعه بازار به آن‌ها کمک شود ۴- به شاغلان این بنگاه آموزش حین کار داده شود و ۵- منابع مالی ارزان در اختیار آن قرار داده شود.



در کشور ما هیچ‌کدام از این ۵ مورد به‌طور سیستماتیک اجرا نمی‌شود. من به‌عنوان مدیری که در هر سه مقیاس بنگاه‌های خرد، کوچک و متوسط و بزرگ فعالیت داشته‌ام، تاکنون هیچ نوع حمایتی در هیچ‌کدام از پنج مورد ندیده‌ام و برعکس همواره از بنگاه‌های اقتصادی درخواست وجود داشته است. پیشنهاد می‌کنم یک قانون یا یک آیین‌نامه تصویب شود که سازمان مالیاتی، حسابداران معتمدی را تربیت نموده و در اختیار بنگاه‌ها قرار داده تا امور حسابداری را انجام دهند.

در کشور ما در شرایط کنونی برای استخدام یک حسابدار حرفه‌ای،

این منطق در کشور مثل سایر حوزه‌ها وجود ندارد. از طرفی نقشه توسعه صنعتی هم در کشور نیست که کدام حلقه و کدام زنجیره باید حمایت شود؛ برای مثال کشور ترکیه نقشه‌ای دارد که آن را به هفت منطقه و چهار موضوع تقسیم می‌کند و مشخص است که به هر منطقه و موضوع چه تخفیفی یا چه ترجیحی داده می‌شود. بنابراین فعال اقتصادی و سازمان امور مالیاتی تکلیفشان مشخص است.

متأسفانه در کشور علی‌رغم همه تلاش‌هایی که داریم نقشه توسعه صنعتی وجود ندارد و در نتیجه مجلس و دولت هرکدام مستقل عمل می‌کنند و فعال اقتصادی هم در این بین دچار مشکلات بسیاری می‌شود. در حال حاضر نسبت به مصوبات برنامه هفتم نگران هستیم. در اینجا وظیفه داریم که دولت را قانع کنیم که بر اساس یک نقشه حرکت کرده و تکلیف کل کشور را مشخص کند. نکته‌ای که دکتر حقیقت فرمودند، مهم است. صاحب بنگاه اقتصادی نباید با سازمان مالیاتی درگیر باشد و طبیعتاً باید کارشناس آن مجموعه امور را انجام دهد؛ برای مثال در کشور ترکیه سازمان‌هایی چون گمرک، مالیات، بانک و ... با صاحب بنگاه در ارتباط نیستند و فقط با کارشناسی که متخصص باشد و با اصطلاحات تخصصی هر حوزه آشنایی داشته باشد در ارتباط هستند.

بر اساس آمار حاصل از پایش کسب‌وکار حداقل در حدود ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته روند گلابه‌ها از سازمان مالیاتی کاهش یافته است، اما نکته این است که فعالان اقتصادی در شرایط غیرعادی فعالیت می‌کنند؛ در موضوع سیاست ارزی بانک مرکزی می‌خواهد در همه شرایط یک‌کت را تن همه بپوشد، در حوزه تأمین اجتماعی، مالیاتی و ... نیز به همین صورت.

دولت دستگاه‌ها را به دستگاه‌های درآمدی و هزینه‌ای تقسیم کرده است. دولت مگر درآمد ایجاد می‌کند؟ دستگاه‌های درآمدی دولت بنگاه‌ها هستند و سازمان‌های امور مالیاتی و گمرک فقط شمارش انجام می‌دهند؛ بنابراین همه ما هدفمان باید حفظ بنگاه باشد؛ زیرا بنگاه، محور است و راهکار آن شنیدن و راه‌حل دادن و رفع مشکلات است.

بنده به شما نمایندگان سازمان مالیاتی اعلام می‌کنم که به‌شدت نگران هستم و حداقل در این سه سالی که من در جریان امور بوده‌ام، حال بنگاه‌ها خوب نیست، مالیات تورمی که گرفته می‌شود در واقع دارایی بنگاه‌ها را می‌خورد، ما تصور می‌کنیم سود تولید می‌شود. خواهش می‌کنم به دوستانتان بفرمایید، یک تحلیل دقیق از ترکیب مواردی که به‌عنوان سود تولید می‌شود در بیاورند، اگر وضعیت به همین ترتیب پیش برود ممکن است بنگاه‌ها فرو بپاشند؛ اگر بنگاه فرو بپاشد، اقتصاد هم فرومی‌پاشد. هدف ما مشترک است. در شرایطی که تورم، تحریم‌ها و سایر موضوعات مشکل‌ساز شده‌اند، هرگونه اقدامی که برای حفظ بنگاه‌ها می‌توانید انجام دهید، دریغ نفرمایید.



**محمد سلمانی:** با توجه به این‌که بنده درگیر امور اجرایی بوده‌ام، دغدغه‌های فعالان اقتصادی را از نزدیک حس کرده‌ام. موضوع عدم اعتماد مأمورین مالیاتی به مؤدیان و عدم اطمینان مؤدیان به مأمورین مالیاتی مطرح است. در یک دوره آموزشی با موضوع دادرسی، یکی از حسابدارها گفت «ما هر چه می‌نویسیم، نمی‌پذیرند». دلیل آن این است که با وجود تورم، قیمت‌ها بالا رفته و درآمدها کم شده است. دلیل بعدی اگر ماده ۲۳۸ به وظیفه خود عمل می‌کرد و کار به هیئت‌های بدوی و تجدیدنظر و شورا نمی‌رسید یک اعتماد دوطرفه به وجود می‌آمد. ما مشکلات خیلی زیادی در این‌تاکد داریم، هم در تعیین ضریب برای ارزش منصفانه توسط همکاران سازمان و هم در اطلاعات ارائه‌شده توسط مؤدیان که کامل نیستند و بسیاری از ضرایب را جابه‌جا وارد می‌کنند و بعد اصلاح آن یک پروسه طولانی می‌شود، در صورتی که بر اساس ماده ۲۳۸، اصلاح امکان‌پذیر است؛ یعنی خود ممیز کل کارکرد مؤدی را بررسی می‌کند و ضریبی که باید بر اساس آن اعمال شود برای او مسجل می‌شود و همین‌طور به‌وسیله نامه‌ای که از صنف به آن‌ها داده می‌شود، اما در عمل این‌طور نیست؛ موضوع در پروسه‌ای بین سازمان مالیاتی، رییس اتحادیه، مدیرکل، معاون و ممیز کل، سر ممیز همین‌طور رده‌های پایین قرار گرفته و در آخر هم فناوری باید اصلاح کند. این موضوع جزو مواردی است که قطعاً همه با آن درگیر هستند و باید راهکاری برای آن در نظر گرفته شود. موضوع بعدی این‌که ضمانت اجرایی که در ماده ۲۷۰ برای مأمورین مالیاتی در نظر گرفته شده کافی نیست و ضمانت اجرایی هم که برای مؤدیان مالیاتی گذاشته شده که کتمان آن‌ها بخشیده نشود، با هم همخوانی ندارند که طرفین بتوانند به هم اعتماد نمایند و تفکر فرار مالیاتی نداشته باشند. اگر مقدور است با توجه به این‌که در اینجا بخش خصوصی و دولت با هم هم‌اندیشی دارند، پیگیر شوید که این مشکلات حل شود.



**لیدا میرکمانداری:** جناب بزرگتری مسئله مرور زمان را مطرح کردند که بسیار خطرناک است؛ در قوانین ما مسئله مرور زمان یک نهادی بوده که قانون‌گذار گذاشته از لحاظ این‌که اثبات جرم یا اثبات ادعا یا اثبات واقعه حقوقی در آینده بسیار سخت می‌شود. به نظر بنده این جلسه بیشتر یک جلسه دفاع شد؛ ما از مؤدیان و فعالان اقتصادی و شما از مأمورین سازمان مالیاتی، درحالی‌که این‌طور نیست و باید تفاهمی ایجاد شود که حداقل بتوانیم به عدالت در مالیات نزدیک شویم و از من غیرحقوق گرفتن مالیات جلوگیری شود. ملاک مؤدی است که شفاف عمل می‌کند، نه مؤدی که فرار مالیاتی دارد. اگر مسئله مرور زمان را از قوانین مالیات برداریم، یک فاجعه رخ می‌دهد، کما اینکه الان در بحث تراکنش‌ها عطف به ماسبق شد و انگار مسئله مرور زمان وجود نداشت. البته مثال من شاید قیاس مع‌الفارق باشد، اما در آینده



یک بنگاه کوچک و متوسط باید ماهیانه ۱۰۰ میلیون تومان هزینه نماید، درحالی‌که مدیر بنگاه ۱۰۰ میلیون در ماه درآمد ندارد. در آلمان یک حسابدار با دریافت ماهانه ۲۰۰ یورو (تقریباً ۱۰ میلیون تومان)، اظهارنامه مالیات بر ارزش‌افزوده و لیست حقوقی تهیه می‌کند و برای تهیه اظهارنامه مالیاتی هم سالیانه حدود ۱۰۰۰ یورو باید هزینه نمود. درحالی‌که دولت تاکنون در سامانه مؤدیان یک ریال هم هزینه ننموده و حتی هزینه تهیه نرم‌افزار را هم مؤدی پرداخت می‌نماید. قبول داریم حوزه آموزش نیاز شدید به تقویت دارد و به‌عنوان اتاق بازرگانی مسئول هستیم که در این زمینه تلاش نماییم. آموزش‌ها در حال حاضر، اکثراً کوتاه‌مدت هستند و به‌صورت سمینار برگزار می‌شوند. قطعاً نمی‌توان با گذراندن دو واحد درس، لیسانس گرفت. در همین زمینه در اتاق کرمان برنامه‌ریزی نموده‌ایم که ظرف ۶ ماه آینده دانشگاه کاربردی ایجاد نماییم.

در مورد صحبت‌های آقای دکتر رستم پور، قطعاً اگر مدیرعامل بخواهد خانواده خود را به سیاحت برد باید از درآمد خود استفاده نماید، در غیر این صورت این کار از نظر شرعی و قانونی اشکال دارد و صحیح نیست، اما مصداق‌هایی هم داریم که شخص به مأموریت کاری رفته و از هتل ۵ ستاره استفاده نموده، اما برای این موضوع مورد بازخواست قرار گرفته است. در همین سازمان مالیاتی افرادی بودند که گفته‌اند «حسابرس برای یک روز رسیدگی به حساب‌ها ۵۰ میلیون تومان دریافت می‌کند، اما من کارمند سازمان مالیاتی بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان از سازمان مالیاتی حقوق می‌گیرم». ما که نباید هزینه نگرانی و دغدغه کارمند سازمان مالیاتی را پرداخت نماییم.

ما نگران رسیدگی نیستیم، رسیدگی دقیق اشکال ندارد ولی شما قبول کنید وقتی به مطب یک پزشک مراجعه می‌کنید و ۱۰۰ نفر بیمار نشسته‌اند آیا واقعاً این پزشک می‌تواند برای همه معاینه خوبی انجام دهد؟ خیر، رسیدگی وقتی از حدش بیشتر می‌شود کیفیت کار پایین می‌آید.

**موضوع بعدی رتبه فساد ما چند است؟ وقتی‌که همه ما باید با ممیز صحبت کنیم، فساد به وجود می‌آید. هر چقدر که این سیستم رودرویی کمتر شود، فساد کمتر می‌شود.**

**آرمان خالقی:** ضمن خوش آمدگویی، مسئله مرور زمان را نمی‌توان خیلی باز گذاشت؛ این‌که بعد از ۱۵ سال برای مربی فلان تیم چه اتفاقی افتاده است را نمی‌توان ملاک قرار داد، برای مثال در جایی قانون به شرکت تکلیف کرده اسناد را تا ۱۰ سال نگه دارد، بعد از ۱۰ سال چه اتفاقی بیفتد، آیا اسناد را چال کنیم؟ بسوزانیم؟ نگه داریم؟ یعنی به‌عنوان یک شرکت دیگر تکلیفی نداریم. اگر قرار است که به مستندات مراجعه شود، قاعداً باید تکلیف ما روشن باشد. بالطبع بعد از ۱۰ سال اگر در موارد استثنایی تخلف و فرار مالیاتی وجود داشته باشد، دیگر قرار نیست سازمان مالیاتی کاری انجام دهد و شرکت به مرجع قضایی باید مراجعه کند و این‌ها استثناست و سازمان مالیاتی هم باید تکلیف خود را روشن کند.

قبلاً در جلسه با آقای دکتر برزگری موضوع نظام جامع مالیاتی مطرح شد که با وجود نظام جامع مالیاتی فراگیر تمامی اشخاص حقوقی یا حقیقی که در این مملکت زندگی می‌کنند، وضعیت مالیاتی، تراکنش، هزینه و هر فعالیت آن‌ها مشخص باشد، به‌گونه‌ای که سیستم‌ها هم‌پوشانی داشته باشند و اطلاعات یکدیگر را شناسایی کنند. اگر چنین شود فرار مالیاتی می‌تواند به حداقل برسد. موضوع بی‌عدالتی مالیاتی که توسط اتاق و تشکل‌های اقتصادی احساس می‌شود، به علت وجود بخش‌هایی است که فرار مالیاتی دارند. کسانی هستند که مثل سایه در اقتصاد ما در حال حرکتند و معاملات کلان انجام می‌دهند، هرچقدر به این بخش‌های پنهان اقتصاد نور تابانده شود به نفع فعالان اقتصادی است که کسب‌وکار روشنی دارند و به‌صورت شرافتمندانه فعالیت می‌کنند و مالیات خود را پرداخت می‌نمایند. ما طرفدار شفافیت اقتصادی هستیم، اما در واقعیت همان موضوع «با دارها را بگیر و بی‌پاهای را ول کن» صادق است. خوشبختانه در جلسه‌ای که برای ما مایه امیدواری بود، صحبت شد که روش سازمان مالیاتی تغییر کرده و اولویت رسیدگی با آن‌هایی است که عدم شفافیت دارند و اطلاعاتشان وجود ندارد.

در جلساتی که در اتاق با موضوع معافیت‌ها برگزار می‌شد، بعضی از اصناف که وسط حلقه ارزش‌افزوده بودند، تقاضای معافیت مالیاتی داشتند، بعضی از معافیت‌ها خود باعث عدم شفافیت هستند و محل اقتصادداند. آنچه ما را نگران می‌کند بعضی برخوردهای سلیقه‌ای است.

**ذبیح‌الله خوارزمی:** در پاسخ

به موضوعی که آقای دکتر حقیقت فرمودند که حسابدارها رعایت استانداردهای حسابداری را نمی‌کنند، باید گفت ممیزی هم که برگ تشخیص



موضوع بی‌عدالتی مالیاتی که توسط اتاق و تشکل‌های اقتصادی احساس می‌شود، به علت وجود بخش‌هایی است که فرار مالیاتی دارند. کسانی هستند که مثل سایه در اقتصاد ما در حال حرکتند و معاملات کلان انجام می‌دهند، هرچقدر به این بخش‌های پنهان اقتصاد نور تابانده شود به نفع فعالان اقتصادی است که کسب‌وکار روشنی دارند و به‌صورت شرافتمندانه فعالیت می‌کنند و مالیات خود را پرداخت می‌نمایند.

اثبات این‌که آیا مالیاتی که امروز از یک فعال اقتصادی اخذ می‌شود واقعاً به عدالت نزدیک است، خیلی دشوار می‌شود، چطور می‌توان اثبات کرد که مالیاتی که مربوط به ۱۰ سال پیش است و امروز می‌خواهیم اخذ کنیم، آیا واقعاً مالیات صحیحی است و برای کسی که بخواهد ممیزی ۲۳۷ را رعایت کند، چقدر می‌تواند اسناد و مدارک از ۱۰ سال پیش فراهم نماید؟ این موضوع با اساس فلسفه مرور زمان در تناقض است.

ما در موضوع دادرسی مالیاتی که بر اساس مالیات ستانی عادلانه است با دنیا خیلی فاصله داریم، نه در بحث مالیات، بلکه در تمام بحث‌های حقوقی از جمله قوانین مدنی و تجارت، چطور ما می‌خواهیم خود را با استانداردهای دنیا مقایسه کنیم، این موضوع قیاس مع‌الفارق است. در مالیات ستانی اگر می‌خواهیم خودمان را با کشورهای توسعه‌یافته مقایسه کنیم، حداقل این مقایسه را در میزان حمایتی هم که از فعالان اقتصادی می‌شود، نیز داشته باشیم.

**محمد برزگری:** ابتدا ما باید مشخص کنیم در مورد کدام

موضوع صحبت می‌کنیم، اگر می‌خواهیم حسابرسی مبتنی بر ریسک را اجرا کنیم، مسئله مرور زمان

موضوعیت ندارد. در اجرای حسابرسی مبتنی بر ریسک با وجود ماده ۱۴۷ و ۱۴۸، معافیت‌ها و ماده ۲۳۷، مسئله مرور زمان معنی ندارد. دنیا می‌گوید که مدیرعامل بایرن مونیخ ۱۵ سال پیش یک فرار مالیات داشته است، این موضوع مربوط به آلمان است ربطی به ما ندارد، ولی چه اتفاقی افتاد، مدیرعامل مجبور به پرداخت مالیات شد. در صورتی که در آلمان هم حسابرسی مبتنی بر ریسک وجود دارد. نباید این موارد را با هم ادغام نماییم، باید روی مسئله محوری تمرکز کنیم.

**نرگس مرادی:** در راستای بینشی که دکتر قاسمی

فرمودند، در جلسه‌ای که با رییس سازمان مالیاتی دکتر سبحانیا داشتیم، ایشان یک نکته خیلی خوبی

را گفتند: «به فعالان اقتصادی و به این شرکت‌ها بفرمایید که نروند جاهای دیگر آموزش ببینند» این صحبت یک نشانه برای ما بود تا در جلساتی که برای آموزش برگزار می‌شود روی این موضوع تأکید کنیم. در رابطه با موضوع تحقیق و پژوهش که آقای برزگری فرمودند، ما استقبال کرده و روی کمک سازمان نیز حساب می‌کنیم، در مورد آموزش هم ما در مرکز پژوهش‌های اتاق تمام تلاشمان را انجام می‌دهیم، ما اینجا هستیم که تا آنجایی که از عهده مان برمی‌آید در حل مشکلات همکاری نماییم.



چه نگیرید چه بخواهید شورا بروید و چه نروید باید این اتفاق بیفتد.

**عباس جبالبارزی:** سؤال آقای خوارزمی این است که اگر در این مرحله قطعی نشد و ضمانتنامه گذاشته و به شورا رفتیم، آیا گواهی ماده ۱۸۶ به ما می‌دهند یا خیر؟



**محمد برزگری:** فعال اقتصادی قبل از این که با این موضوعات مواجه شود باید ترتیبی بدهد که قبل از اینکه پرونده‌اش به دست مأمور مالیاتی برسد و بگوید پروانه‌ات اصلاحی هست، به وزارت صمت برود و بگوید چرا اصلاحی صادر می‌کنید، مگر من می‌گویم من سواد دارم یا ندارم؟ یا حسابرس ما سواد دارد یا ندارد؟ ما مشکلمان این است اجازه می‌دهیم اتفاقی بیفتد و بعد دنبال راه حل هستیم.



**عباس جبالبارزی:** از فرمایش آقای خوارزمی دو موضوع نتیجه می‌شود: آقای دکتر برزگری شما می‌فرمایید مالیات بعد از هیئت تجدیدنظر قطعی می‌شود، بله ما باید ضمانتنامه بگذاریم و قانونی است و این کار را هم انجام می‌دهیم یا می‌خواهیم به ماده ۲۵۱ اعتراض کنیم و تا دیوان هم برویم، اما گواهی ماده ۱۸۶ را به ما نمی‌دهند و می‌گویند برو ترتیبات پرداخت را بده. مسئله ما دقیقاً این است و می‌گوییم این را قبول نداریم. باید تا تعیین تکلیف در کلیه مراجع قانونی مالیات قطعی نشده و خدمات به مودیان من جمله صدور گواهی ماده ۱۸۶ انجام شود.



**محمد برزگری:** باید یک جایی باشد که گردش زمانی پول مهم باشد و بروید و بعد تابعی از آن مأمور را ۲۷۰ کنید.



**عباس جبالبارزی:** اگر در هیئت تجدیدنظر رأی صادر و مالیات قطعی شود، آیا به میزانی که خود مؤدی قبول دارد از او می‌گیرید که در ازای آن گواهی ماده ۱۸۶ صادر شود؟



**محمد برزگری:** خیر قانون دو حالت دارد یکی پرداخت و دیگری ترتیب پرداخت است. من می‌گویم جایی که سازمان به این نتیجه می‌رسد که شاید حق مؤدی باشد، حتماً ترتیب پرداخت می‌دهد، پس گواهی را هم می‌دهد.



**محمد حسین قربانی:** آقای دکتر برزگری فرمودند دو و نیم برابر قطعی شده است و فرق نمی‌کند و در هر شرایطی قطعی شده است، چه گواهی ماده ۱۸۶ بخواهید بگیری و چه نگیری. با توجه به آمار که ارائه دادید، برای اشخاص حقوقی ۴ برابر تشخیص و ۲،۵ برابر قطعی صادر شده و برای مشاغل هم ۱۰ برابر تشخیص و چهار و نیم برابر قطعی شده است، اما وقتی هم بخواهیم تبصره ۱۰۰ را



صادر و رسیدگی می‌کنند اطلاعات کمی در مورد استانداردها دارند. موضوع بعدی اگر پیش‌فرض، افزایش مالیات نیست چرا وقتی در مقابل ممیز قرار می‌گیریم، می‌گوید مؤدی سال پیش این مبلغ را پرداخت نموده و امسال باید این مبلغ بیشتر پرداخت کند، در عمل پیش‌فرض همین قضیه است.

در خصوص موضوعی که فرمودید این مقدار تمکین کردند و این مقدار وصول شده است (دو برابر یا سه برابر)، شما به‌عنوان سازمان مالیاتی گواهی ماده ۱۸۶ را بردارید ببینید درصدها چقدر است؟ من به‌عنوان فعال اقتصادی می‌خواهم تسهیلاتم را تمدید کنم، اگر این کار را انجام ندهم جریمه‌ها و مسائل دیگری پیش رو دارم، بنابراین به نفع من است که تمکین کرده و مسئله را خاتمه دهم. در هنگام ثبت صورت جلسه هیئت‌مدیره هم باز با همین مشکل روبرو هستیم.

کاش شما دوستان سازمان مالیاتی یک روز در جایگاه مؤدی قرار می‌گرفتید و از اتفاقاتی که در این حوزه‌ها رخ می‌دهد، آگاه می‌شدید. شما می‌فرمایید «از رسیدگی نترسید»، اتفاقاً ما از رسیدگی زیاد می‌ترسیم، چون تنها هنر رسیدگی، برگشت هزینه‌های بی‌مورد است و مرتب هم می‌نویسند عدم رعایت مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ در صورتی که اصلاً توجه نمی‌کنند و سرفصل را برگشت می‌دهند. برای من بنگاه‌دار رقم مالیات زیادی را تعیین می‌کنند، با اعتراض من در هیئت بدوی ۵ یا ۱۰ درصد، در هیئت تجدیدنظر هم ۵ یا ۱۰ درصد کم می‌شود و پرونده به اجرا می‌رود و در اجرا هم من مشکل ماده ۱۸۶ را دارم و نمی‌توانم شورا بروم و رقم این قدر زیاد است که باید سپرده بگذارم که نمی‌توانم، بحث اصلی من این است که باید مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ حذف شود.

**محمد برزگری:** جناب خوارزمی ضمانت هم اگر نگذارید، قطعی از شما گرفته می‌شود. شما گفتید که پرونده قطعی شده و اگر بخواهد شورا برود باید ضمانت‌نامه بگذارند، من می‌گویم اگر ضمانت‌نامه نگذارید باید چه کار کنید، باید پرداخت کنید. به عبارتی چه بخواهید گواهی بگیرید و





**عباس جبالبارزی:** در حال حاضر سازمان مالیاتی فرایند حسابرسی بر مبنای ریسک را شروع کرده، آیا اگر امسال که ۳۵ درصد مالیات قطعی شده، سال بعد به ۵۰ درصد می‌رسد؟



**محمد برزگری:** این موضوع به دو مؤلفه بستگی دارد؛ یک نیروی انسانی (بد یا خوبش را کنار بگذاریم) دو به رفتار و ابرازی که مؤدیان دارند.



**عباس جبالبارزی:** بالاخره کشور ما یک الگویی از عملکرد کشورهای توسعه‌یافته در مورد موضوع مالیات را قبول دارد یا ندارد؟ خلاصه می‌خواهیم نظام مالیاتی ما بر مبنای ریسک به چند درصد برسد؟



**علی رستم‌پور:** علی‌رغم وجود تمام اختلاف‌نظرها همه ما یک اتفاق نظر داریم که سازمان مالیاتی از عملکرد ۹۸، انتخاب برای حسابرسی بر مبنای ریسک را شروع کرده است. قانون‌گذار اجبار گذاشته است که عملکرد سال ۹۸ باید بر اساس اجرای ماده ۹۷ جدید باشد که سه سال فرصت داد و بعد بالاجبار موافق یا مخالف، در سازمان این ماده عملیاتی شد، ولی اگر انتظار داشته باشیم، ظرف ۱ تا ۳ سال به نقطه پهنه (مثل فرانسه که کمتر از ۲ درصد مؤدیانش مورد حسابرسی قرار می‌گیرند و در فرایند حسابرسی آن کمتر از یک یا دو درصد (اگر اشتباه نکنم) درآمدهای مالیاتی افزایش پیدا می‌کند، برسیم فاصله بسیار زیادی داریم.



وقتی گفته می‌شود رفتار دو طرف در این موضوع مؤثر است، اینجا مصداق پیدا می‌کند. حدود پنج سال پیش در فرانسه ۹۸ یا ۹۹ درصد مالیات وصولی عددی بالغ بر ۶۰۰ میلیارد یورو بود که در قالب تمکین و خود اظهاری وصول شده بود. هر زمان که مؤدیان ما به این سمت حرکت کردند که مالیات دادن را افتخار بدانند نه فرار مالیاتی را، قول می‌دهیم به نقطه پهنه هم برسیم. در کنار این‌که ما به همه استانداردها رسیده هدف‌گذاری نموده‌ایم، فارغ از این‌که مردم چقدر همراهی کنند.

اجرا کنیم همان حسابرسی بر مبنای ریسک را به سراغ همین‌ها می‌رویم، سراغ مؤدیانی که وضعیتشان بدتر بود.

برای مشاغل فرمودید برگه تشخیص‌ها مبلغ آن ۱۰ برابر شده یعنی ۱۰۰۰ درصد و در قطعی شده‌ها چهار و نیم برابر، یعنی ۴۵۰ درصد. در اشخاص حقوقی تقریباً آمار نصف این است چهار و نیم برابر، دو و نیم برابر شده است، ولی حسابرسی هم بر مبنای ریسک است، وقتی هم می‌خواهیم کنار بیایم با همین مؤدیان کنار می‌آییم.

من شدت را هم قبول دارم، امسال عدد مشمولان تبصره ماده ۱۰۰ برای اشخاص حقیقی ۶ میلیارد و ۷۲۰ میلیون تومان مشخص شده است. چند درصد شرکت داریم که عددش کمتر از این عدد است، شاید ۴۰ درصد شرکت‌هایی که رسیدگی می‌شوند عدد درآمدی‌شان زیر این رقم است. پس بحث شدتی که شما می‌فرمایید، اینجا مصداق پیدا می‌کند، اما ما تا ۶ میلیارد و ۷۲۰ میلیون در نظر می‌گیریم و به اشخاص حقیقی می‌گوییم که از تبصره ۱۰۰ استفاده نکنند، اعتقاد شخصی من این است هنوز مالیاتی که این گروه بر مبنای گردش حساب بانکی و مالیات قطعی شده ۳ سال قبل پرداخت می‌کنند، کمتر از شرکتی است که با آن عدد اظهارنامه پُر می‌کند.

**محمد برزگری:** مالیات این گروه را چگونه تعیین می‌کنند؟ ضریب فعالیت را ضریب فروش می‌کنند و بعد میزان مالیات پرداختی در تبصره ۱۰۰ را مشخص می‌کنند. هر شرکتی که به این روش باشد، کم ریسک است و پر ریسک نمی‌شود. قیاس را باید در موضوع فرآیندی بگذاریم؛ در تبصره ۱۰۰ هر کسی با هر رقم فروشی (این‌که فروش از کجا می‌آید از حساب بانکی، از پوز، از ابرازی خود مجموعه یا از ۱۶۹ را کنار هم بگذاریم)، مقدار مالیات مشخصی دارد. اگر شرکتی یا مشاغلی در تبصره ۱۰۰ نباشد و به یک شکلی فروش آن به دست بیاید اگر فروشش نسبت به فعالیت باشد؛ یعنی مثل تبصره ۱۰۰ باشد، قطعی شده و اصلاً پرسیک نمی‌شود و اصلاً مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد. یکی از شاخص‌های ریسک این است که فروشی که برای یک فعال به دست می‌آید را با نسبت فعالیت مشابه می‌زنند، اگر سودی که مؤدی ابراز کرده بالاتر از این باشد، حتماً قطعی می‌شود و امکان ندارد پر ریسک شود.



**محمدحسین قربانی:** اگر این موضوع اجرا می‌شود، باید جایی آمار آن منتشر شود. در ۱۳۹۹ یا ۱۴۰۰ در استان کرمان ۹۰ درصد مالیات وصولی از ۸۳ شرکت بوده است. اگر در کنار فاکتور شدت، زمان را نیز لحاظ کنیم، هرچه زمان کمتری برای رسیدگی به این ۱۰ درصد باقی‌مانده که شامل مشاغل، شرکت‌ها و ... هستند صرف شود، ممیز وقت بیشتری برای شرکت‌های بزرگ‌تر دارد که در آنجا کار خود را دقیق‌تر انجام دهد. با وجود مشکلاتی مثل عدم آشنایی هر دو طرف با استانداردهای حسابداری، به نظرم عمده مشکلی که پیش می‌آید مربوط به زمان است. برای مثال برای شرکتی با ۱۰۰۰ میلیارد تومان درآمد قاعداً امکان رسیدگی دوزمه وجود ندارد.





**عباس جبارزی:** به‌عنوان یک فعال اقتصادی از سیگنال خیلی مثبتی که دادید تشکر می‌کنم. سیگنال مثبت این بود که اگر سازمان امسال ۳۰ درصد رسیدگی نمود، سال بعد حس کرد که مالیات رشد کرده یا ثابت است و مردم هم تمکین نموده‌اند، قطعاً ریسک را بالاتر می‌برد.

شاخص دیگری که مهم است، نرخ رشد سرمایه‌گذاری است؛ برای مثال اگر نرخ رشد سرمایه‌گذاری امسال ۵ درصد باشد، اگر این نرخ در سال ۱۴۰۳ بالاتر رفت حتماً باید مالیات بیشتری پرداخت شود، ولی اگر رشد اقتصاد منفی بود و درآمد شرکت‌ها کاهش پیدا کرد، آیا مقصر کاهش رقم مالیات بخش خصوصی است یا شرایط تحریم؟ پیشنهاد می‌کنم که حتماً و حتماً رفتار مؤدی را بررسی نمایید اگر رفتار مؤدی در سال بعد بدتر شد، شما رسیدگی را بیشتر کنید، اما اگر رشد اقتصادی کشور ضعیف شد شما هم مثل ما از دولت‌مردان بخواهید شرایط را اصلاح کنند که کشور توسعه پیدا کند.



**محمد بزرگري:** اگر می‌خواهید این مسائل حل شود، باید مجلس، معاون درآمدها و رییس کل سازمان مالیاتی و حوزه قضاییه را دعوت و طرح موضوع نمایید.



**عباس جبارزی:** قطعاً هر کدام از ما در موقعیت خودمان می‌توانیم اثرگذار باشیم و به کاهش مشکلات کمک نماییم. دکتر رستم‌پور می‌گویند: «نمایندگان تأکید می‌کنند که ما مالیات بگیریم»، همین نمایندگان محترمی که تأکید می‌کنند شما مالیات بگیرید و همیشه نسبت به وصولی‌های خود هم با افتخار صحبت می‌کنند، چرا نمی‌توانند اموال مازاد دولت را بفروشند؟ قانون‌گذار باید شرایط اجرا را هم داشته باشد، در غیر این صورت قانون یا اجرا نمی‌شود یا باعث نارضایتی می‌گردد.



**علی رستم پور:** مالیات در چهارچوب قانون اخذ می‌شود، همه ما در سازمان به‌شدت با یک مالیات ناحق که به لحاظ شرعی اشکال دارد و کل بودجه کشور را آلوده می‌کند، مخالف هستیم. قبول دارم بدنه ممکن است خطایی انجام دهد و منکر نمی‌شوم، ولی یک‌شبه نمی‌توان دیدگاه ۲۰ هزار مأمور مالیاتی را عوض نمود، همان‌طور که رفتار مؤدی را نمی‌توان تغییر داد. قبل از این جلسه با همکاران خودم که قرار است حدود ۳۰۰ پرونده بزرگ کشور را رسیدگی کنند جلسه داشتیم، تأکید کردم که «چشم‌انتان را بشویید سراغ مؤدی که می‌روید، هدف‌گذاری یک حسابرسی حرفه‌ای

اگر آمار را کمی محدودتر نماییم و سراغ شرکت‌های بزرگ که تشکیلات مالی دقیق‌تری دارند و از کارشناسان متخصص‌تری استفاده می‌کنند برویم، متوجه می‌شویم که در دو سال متوالی برای حدود ۷۰ شرکت که در عملکرد ۱۳۹۹ در بنگاه خودشان رسیدگی شده و به قطعیت رسیده‌اند و سال ۱۴۰۰ در مجموعه حسابرسی ویژه مورد حسابرسی قرار گرفته و به قطعیت رسیده‌اند، رشد ۱٫۲ تا ۱٫۴ درصد دیده شده است، نه رشد دو و نیم برابر...

داشته باشید، نه هدف‌گذاری مالیاتی». من حرف شما را قبول دارم، آیا باید مأمور مالیاتی را اعدام یا اخراج کنیم؟ آقای بزرگري به‌تازگی مسئولیت مدیریت آموزش سازمان را به عهده گرفته‌اند و در حال آموزش به مدرسان سازمان‌ها در استان هستند. علاوه بر تدریس قانون، در حال تغییر رویکردها هم هستیم، اما این امور مهم یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد.

در پاسخ به خانم میرکمانداری، در سال ۱۳۹۶ در کمیسیون حقوقی اتاق با حضور حداقل ۱۳۰ نفر که رسماً همگی مدعی بودند که در موضوع حسابرسی تراکنش‌های بانکی غیرقانونی عمل کرده‌ایم، همه را متقاعد کردیم که اشتباه کردند و اند ولی شما نمی‌پذیرید. ما هیچ جا عطف به ماسبق نکرده‌ایم، هیچ جا مرور زمان را باز نکرده‌ایم. سازمان مالیاتی امروز هم در چهارچوب ماده ۱۵۷ هرگونه اطلاعاتی نسبت به ۵ سال گذشته مؤدی به دست بیاید که از آن مطالبه مالیات نشده است به آن عمل می‌کند. در سال ۹۵ هم که با دستورالعمل ۵۰۵ حسابرسی تراکنش‌های بانکی را شروع کردیم به ۵ سال قبل برگشتیم نه به ۱۵ سال قبل و بعد هم خودخواسته نبود و اطلاعات از هر مرجعی از جمله خود شما مستند داده شده، در ۱۵۷ رسیدگی می‌شود.

در رسیدگی به فرایند تراکنش‌های بانکی کلی خطا داشتیم و کلی دستورالعمل دادیم که روی همه این دستورالعمل‌ها حمله به دیوان رفت و خوشبختانه دیوان هم هیچ‌کدام را باطل نکرد، چون حرف غیرقانونی نزدیم؛ پس ما مرور نکردیم، نگویید که سازمان مالیاتی مرور کرده و عطف به ماسبق می‌شود.

با مرور زمان مالیاتی هم با وجود ماده ۲۷۷ قانون هیچ مشکلی نداریم، پروسه این ماده سخت است ولی هر جا ثابت شود که مؤدی حساب‌سازی نموده، به دادگاه ارجاع داده می‌شود و حق‌و حقوق دولت به انضمام جرائم از او گرفته می‌شود.

**آنچه در پذیرش اظهارنامه‌ها دست سازمان را بسته است، مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون و معافیت‌ها است.** همین الان با مسئولیت سازمان در بخشی از معافیت‌ها که تبصره ماده ۱۴۶ قانون با تأکید می‌گوید شرط اعمال معافیت علاوه بر اظهارنامه، ارائه دفاتر و اسناد و مدارک مربوطه است. بخشی از پرونده‌هایی را که معافیت دارند و در انتخاب حسابرسی مبتنی ریسک، انتخاب نکرده و قطعی می‌کنیم، ممکن است به ما ایراد بگیرند که با اینکه دفتر و اسناد را مطالبه نکردیم، اما پذیرفتیم. شما تلاش کنید تا قانون اصلاح شود.

آقای سلمانی فرمودند اینتا‌کد مسئله است. آیا در دستورالعمل ۵۲۲ گفته شده فقط دنبال اینتا‌کد بروید؟! خیر در آخرین مرحله سراغ اینتا‌کد می‌روند یعنی پنج شش راه دیگر

دلیل همان قاعده‌ای که شما می‌فرمایید، تمامی این تراکنش‌ها را رد کرده است، الان شما می‌گویید چنین چیزی اتفاق نیفتاده، اما من به‌کرات دیده‌ام.

**علی رستم پور:** من هم قبول دارم که این موضوع در پرونده موردی وجود دارد و موافقم و من کراراً هم دیدم و دلیل آن، نحوه نوشتن من مأمور مالیاتی است؛ من اگر بلد بودم چطور بنویسم، ۱۰۰ سال دیگر هم، مجتهد که هیچ مجتهد اعلمش هم نمی‌توانست رد کند.



**محمدحسین قربانی:** علاوه بر موضوع عدم آشنایی با قانون هر دو طرف، معضل بعدی نیز آشنا نبودن با استانداردهای حسابداری است. همه ما می‌دانیم مالیات بر مبنای درآمد مشمول مالیات است، خیلی از حسابرس‌ها شرایط شناخت درآمد را نمی‌دانند.



**عباس جبالبارزی:** در خصوص بازرسی با شما کاملاً موافق هستیم. در جلساتی هم که با نهادهای نظارتی داشته‌ایم از آن‌ها خواسته‌ایم که هزینه تصمیم درست را بالا نبرند. دو هفته پیش آقای محسنی اژه‌ای در کرمان بودند و یکی از مدیران این جمله را به ایشان گفت: «از مدیر جسور پاکدست دفاع کنید». ما در کرمان شفاف هستیم و همه صحبت‌ها و نظرات کارشناسانه خود را منتقل می‌کنیم.



به‌عنوان جمع‌بندی در مورد حسابرسی بر مبنای ریسک، این‌که جهت‌گیری سازمان امور مالیاتی به سمتی رفته است که ماده ۹۷ را اجرا می‌کند و ۳۵ درصد پرونده‌ها را در سال ۱۴۰۱ رسیدگی نکرده، سیگنال خوبی است و ما از آن دفاع می‌کنیم. ممکن است تکمیل این موضوع در کشور ۵ سال به طول انجامد، ولی کار شروع شده و این پیام را که «رسیدگی کمتر، قطعاً به رفتار مؤدی برمی‌گردد» را باز نشر می‌دهیم. از دولت‌مردان تقاضا داریم در رسیدگی‌هایشان، شاخص‌های رشد اقتصادی را در نظر بگیرند، اگر اقتصاد ما در حال ضعیف و کوچک شدن است، حتماً درآمد در کشور کم می‌شود و روی مالیات نیز تأثیر خواهد گذاشت.

پیشنهاد می‌دهیم این میزگردها ماهیانه یا هر دو ماه یک‌بار برگزار شود. از شما نمایندگان سازمان امور مالیاتی تشکر می‌کنیم که دغدغه کمک به حل مشکلات فعالان اقتصادی و مؤدیان مالیاتی را دارید. به امید خدا ظرف دو هفته آینده پیشنهادهای بخش خصوصی در زمینه مسائل مطرح‌شده را جمع‌بندی و حضورتان اعلام می‌نمایم. ♦♦

گذاشته‌ایم که برود به سود واقعی‌اش برسد، اما چرا مأمور می‌خواهد راحت‌ترین کار را انجام دهد، یک دلیل آن حجم زیاد پرونده است و دلیل دیگر مرجع نظارتی (مرجع نظارتی بیرون سازمان) است. آنچه شما دنبال آن هستید و نقطه مطلوبتان است؛ قطعاً زمان می‌برد، خواهش می‌کنم با نهادهای نظارتی هم جلسه بگذارید. آیا با سازمان‌های دیگر جلسه گذاشته و مشکلاتی که با سازمان مالیاتی را دارید، عنوان کرده‌اید؟ از آن‌ها شکایت کنید و بگویید سازمان مالیاتی هم اگر کاری انجام نمی‌دهد، از ترس آن‌ها است. نکته آخر عمده مشکلات ما عدم اشراف مؤدی و مأموران مالیاتی به قوانین و مقررات است که باعث تضییع حقوق دولت و حقوق مؤدیان می‌شود. شما هم که نمی‌توانید از حق خود دفاع کنید و به‌ناچار ماده ۱۸۶ اجرا نمی‌شود و تمکین کرده و پرداخت انجام و تمام می‌شود. تأکید دارم که آموزش را در این زمینه توسعه دهید، ما قطعاً توان آموزش به مؤدیان را نداریم. اگر به شما هم وعده داده می‌شود، عملیاتی نمی‌شود. سازمان خیلی امکان و توان داشته باشد به ۲۰ هزار مأمور مالیاتی خود آموزش می‌دهد، مؤدیان باید خودشان را مجهز نمایند.

**لیدا میرکمانداری:** جناب دکتر رستم‌پور می‌فرمایند ما عطف به ماسبق نکرده و دیوان هم اصلاً رأی نداده است. با کمال احترام نسبت به شما و دوستانتان، اول بگویم که ما اینجا نیستیم که از خودمان دفاع کنیم ما می‌خواهیم یک راه‌حلی پیدا کنیم نه نیازی هست که من به‌عنوان یک فعال اقتصادی از بخش خصوصی و نه شما از سازمان دفاع کنید. شما در رأس هستید و خیلی از اتفاقات پایین می‌افتد. در مورد بحث تراکنش‌ها، شعب دیوان، الی ماشاءالله رأی، حکم برائت و رفع تعرض صادر کرده اند و قضات آن‌ها همگی مجتهد هستند.



**علی رستم پور:** در نوشتن گزارش اشکال وجود دارد و دیوان هم به آن اشکال توجه می‌کند. به‌هیچ‌عنوان تاکنون قاعده نسخ نشده و رفتار ما در رسیدگی به تراکنش‌های بانکی کاملاً قانونی است.



**لیدا میرکمانداری:** قاضی مجتهد ما در دیوان به دلیل تکلیف ملایطاق همان موضوعی که در مرور زمان مطرح کردم که وقتی ما تکلیفی را بر کسی بار نکردیم، به‌عنوان مثال اسناد و مدارک را بعد از ۱۰ سال نمی‌توان نگه داشت، حتی تجار هم طبق قانون تجارت ۱۰ سال باید اسناد را نگه دارند و قاضی مجتهد به



زمانی که فعال اقتصادی یک معافیت مالیاتی برای تأیید به مجلس می‌برد، سایر فعالان اقتصادی عکس‌العمل یا مخالفتی اعلام نمی‌کنند؟ در نتیجه سهم سایر فعالان از یک معافیت کمتر شده و دیگران تحت فشار قرار می‌گیرند؛ به‌طور مثال در حال حاضر مدیریت پسماند شامل تفکیک از مبدأ، جمع‌آوری، پردازش، بازیافت، تولید انرژی و دفع از مالیات معاف است.